

موشکافی اتفاقات

مثبت در منفی

اقتصاد ایران: بعد از وقایع اخیر، کشور شاهد فرار سرمایه‌ها و همچنین فرار مغزها و استعدادها بود. چه تحلیلی از این مطلب دارید؟

در مجلس پنجم یک کنفرانس ۳ روزه برگزار کردیم که برای نوشتن قانون جلب و حمایت از سرمایه‌های خارجی فراخوانی هم صورت دادیم. همچنین به دنبال آن از صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و چند حقوقدان بین‌المللی هم دعوت کردیم تا برای نوشتن این قانون به ما کمک فکری کنند. یکی از این حقوقدانان که از بانک جهانی آمده بود گفت: شما به فکر نوشتن این قانون نباشید، شما سرمایه‌های داخلی خود را حفظ کنید. اگر سرمایه داخلی حفظ شود، خود به خود سرمایه خارجی هم به سراغ شما خواهد آمد. با این تعبیر متوجه می‌شویم که سرمایه‌گذار خارجی خود را در آیین سرمایه‌گذار داخلی می‌بیند. وقتی احساس می‌کند سرمایه‌گذار داخلی ما کاملاً در آرامش است، وی نیز احساس امنیت کرده و به سهولت سرمایه خود را به کشور انتقال می‌دهد. در این راستا وقتی سرمایه‌گذار داخلی که از این مرز و بوم است و عشق به این سرزمین دارد از ایران مهاجرت می‌کند، بدیهی است که سرمایه‌گذار خارجی هم به این کشور نخواهد آمد. باید تلاش کنیم سرمایه‌گذاران داخلی در کشور مغتنم و محترم شمرده شوند که اگر اینگونه نباشد، پای سرمایه‌گذار خارجی هم به کشورمان باز نمی‌شود.

یقیناً ناامنی و ناآرامی‌هایی که بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران شکل گرفت، بستر و زمینه‌ای شد برای فرار سرمایه‌ها که پایان گرفتن این حوادث موجب سرعت گرفتن بالندگی کشور در عرصه‌های مختلف خواهد شد.

اقتصاد ایران: دولت و مجلس چه تمهیداتی برای اطمینان سرمایه‌گذاران در نظر گرفته‌اند؟

شخصاً معتقدم سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نسخه شفاف‌بخش ما در کشور است که در صورت اجرا به این اهداف خواهیم رسید، ولی افسوس از اجرا و اقدام واقعی آن. امسال سال آخر برنامه ۵ ساله چهارم است و بررسی‌ها نشانگر این مسأله می‌باشند که در اکثریت قریب به اتفاق مختصات اقتصادی از برنامه عقب هستیم و حتی در بعضی موارد انحراف به وجود آمده است. به نظر من تنها راه ممکن، چاره‌اندیشی برای رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز است که باید باورها را در آن افزایش داد. امیدواریم در برنامه ۵ ساله پنجم، تمهیدات لازم در آن دیده شود تا سرمایه‌گذاری در کشور رونق پیدا کند و اقتصاد ما به پویایی، رشد و بالندگی دست یابد.

اقتصاد ایران: متشکریم. ■

مصاحبه ماهنامه «اقتصاد ایران» با مهندس سید سعید امامی، عضو هیأت مدیره انجمن مدیریت کیفیت ایران

اقتصاد ایران: وقایع پس از انتخابات چه تأییراتی را بر اقتصاد کشور بر جای نهاده یا می‌تواند در آینده بر جای بگذارد؟

به اعتقاد من دستیابی به یک ثبات همه‌جانبه که مسیر حرکتی ما را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعریف کند، نیازمند یک شوک ناگهانی است تا حال و هوای یکنواخت موجود را با تغییر مواجه سازد. سالی که گذشت، نقش همان شوک را در جامعه ایران ایفا کرد که مدیریت صحیح آن موجب خروج کشور از رخوت موجود می‌شود. به عبارتی، مسایلی که پس از انتخابات برای کشور ما رخ دادند،



در بدنه اقتصاد کشور و نیاز به اتخاذ مدل‌های اقتصادی جدید، نظام اداری جدید و مسایلی از این قبیل که مبتنی بر فرهنگ ایرانی باشد، از موارد قابل ذکر در این راستا است. سؤال این است که چرا پس از گذشت سه دهه از انقلاب هنوز یک نظریه جامع در مورد ارتباط مردم و حکومت نداریم؟ تئوری‌های دانشگاهی ما هم بر گرفته از تئوری‌های غربی هستند. این موضوعات

مسیرها را برای پیدا کردن راهکارهای اصلاحی، کوتاه کردند. این امر از غفلت ما و اندیشمندان ما از ریشه‌ها و پتانسیل‌های بحران نشأت می‌گیرد و حال این شرایط به وجود آمد تا جلوی تکرار حوادث را بگیریم. به عبارت دیگر، اگر تاکنون معتقد بودیم مشکلات خود به خود حل می‌شوند، الان زمان آن است که ما خود به دنبال حل مشکلات باشیم. بنابراین از این به بعد، همه افراد در هر موقعیتی که هستند، با نگاهی موشکافانه‌تر به موضوعات می‌نگرند. به عنوان مثال، خود من در جایگاه مدیریت کیفیت که مباحث تکنیکی خود را دارم، به دنبال تعریف روش‌هایی برای ایجاد مدل و پیدا کردن راهکارهایی برای مدیریت این قبیل مسایل رفتم. اوایل انقلاب همه جوانان و مردم به دنبال آن بودند که چگونه می‌توان رشد کرد و در مسیر شکوفایی کشور پیش رفت؟ این روحیه در سال‌های اخیر کم رنگ شده است. وقوع حوادثی نظیر مسایل پس از انتخابات، از این بُعد که با آغاز دوباره تکاپوی عموم مردم برای حل بحران‌های اجتماعی همراه بود، نتیجه مثبتی داشت. در مباحث مربوط به مدیریت کیفیت هم که با هدف افزایش رقابت‌پذیری سازمانی و رشد اقتصاد پایه‌ریزی شده، می‌بینیم که بدون توجه به فرهنگ بازار ایرانی نمی‌توان با اتکای صرف به مدل‌های اروپایی شرایط مساعدی را فراهم کرد، لذا به پایه‌ریزی مدل‌های جدید و مبتنی بر فرهنگ ایرانی مبادرت کردیم که این امر در مورد مسایل

سبب شده که به فکر تدوین نظریات بومی برای حل بحران‌های موجود باشیم و این از نتایج مثبت حوادث اخیر است.

اقتصاد ایران: چرا هر اتفاقی در ایران می‌افتد، اول از همه به اقتصاد کشور ضربه وارد می‌کند؟

در بسیاری از کشورهای دنیا بحران‌های سیاسی بر اقتصاد اثر نمی‌گذارند. فروپاشی بلوک شرق یک نمونه این موضوع است. بدنه نظام ما به شکلی سیستماتیک جا نیفتاده است و افراد وظایف خود را درست نمی‌شناسند و یا به آن باور ندارند. این موضوع در اظهار نظرها هم دیده می‌شود و هر کس به خود اجازه می‌دهد در مسایلی دخالت کند که به او مربوط نبوده و یا در حیطه اطلاعات وی نیست. علاوه بر این، اقتصاد دغدغه مردم است و همه مسایل جامعه بر اقتصاد و تصمیمات اقتصادی افراد اثر می‌گذارند. لذا هر گونه اظهار نظر کارشناسی نشده در جامعه، به تغییرات عمده اقتصادی از بُعد تولید، سرمایه‌گذاری، مصرف و سایر موارد منجر خواهد شد. در نتیجه این مسایل، می‌بینیم که اقتصاد در جامعه ما به شدت آسیب‌پذیر است. لذا به اعتقاد من بهتر است افرادی راجع به مسایل اقتصادی در کشور اظهار نظر کنند که در حیطه مذکور صاحب‌نظر هستند. همچنین این افراد باید کارشناسانه به تحلیل مسایل بپردازند و با سخنان کارشناسی نشده خود جامعه

امنیت اقتصادی، ضرورت کشور

حصارهای امن

بر خلاف سال‌های دور که امنیت ملی یک کشور به ثبات و استحکام در بنیان‌ها و زیرساخت‌های داخلی



آن کشور مربوط می‌شد، امروزه تأمین امنیت یک کشور جنبه‌های دیگری دارد که ثبات و امنیت اقتصادی یکی از ابعاد آن بوده و بی‌شک یکی از مهمترین ارکان آن به حساب می‌آید. به طور حتم، بهره‌مندی از اقتصادی پرقدرت، زمینه‌های ثبات حکومتی مقتدر را فراهم خواهد آورد که البته عکس آن هم کاملاً صادق است. در کنار تمام مشکلات و موانعی که کشورهای ستیزه‌جو برای اقتصاد ایران پدید آورده و می‌آورند، متأسفانه برخی قوانین، شاخصه‌ها، سیاست‌گذاری‌های نابجا و عدم چاره‌اندیشی برای رفع آنها در کشور، سبب تشدید مشکلات این‌چنینی شده که برخی از آنها در ذیل آمده است:

- عدم حمایت از سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، عدم تدوین قانونی بر مبنای استاندارد جهانی جهت رفع این مشکل، فقدان برقراری امتیازهای جذاب جهت جذب سرمایه‌گذار، عدم احترام به سرمایه‌گذار داخلی و خارجی و تشدید فرار سرمایه
- عدم تعامل، گفت‌وگو و هم‌اندیشی با کشورهای غربی - البته در چارچوب عزت و غرور ملی - جهت رفع اتهامات بین‌المللی
- سیاست‌های کارشناسی نشده دولت‌ها
- دولت‌محور بودن اقتصاد و بها ندادن به بخش خصوصی پویا و مولد
- بی‌توجهی به خواسته‌های منطقی اقتصادی و اجتماعی مردم در چارچوب یک نظام دمکراتیک و کاهش شاخص آزادی در کشور
- نظام نامتعارف بانکداری و بهره‌های نامعقول بانکی
- عدم بهره‌مندی از بازار کارآمد سرمایه
- بهره‌وری پایین عوامل کار و سرمایه
- فضای معیوب و قوانین ناقص کسب و کار
- آفت‌های اقتصادی و اجتماعی رشد بیکاری
- ریسک‌های ژئوپلیتیک و عدم چاره‌اندیشی برای رفع آنها
- بی‌توجهی به نیروی متفکر و نخبه انسانی.

اقتصادی برداریم. موضوع مهم و قابل ذکر دیگر در این رابطه آن است که دولت متصدی همه امور در کشور ما است. تحقیقات و بررسی‌های اقتصاددانان و صاحب‌نظران بیان می‌کنند که کاهش تصدی‌گری دولت و به حداقل رسیدن آن در اقتصاد، می‌تواند به افزایش ثبات اقتصادی بی‌انجامد. بنابراین باید راهکارهایی که منجر به کاهش تصدی‌گری‌های دولت می‌شوند به سرعت پیگیری شوند و به نتایج مورد نظر برسند. سند ۱۴۰۴ با این که چند سالی از اهداف آن عقب هستیم، نوبدبخش کاهش دخالت دولت در امور اقتصادی و رسیدگی به وظایف نظارتی و برنامه‌ریزی است.

تقداریان: اثر وقایع اخیر بر مسایل بین‌المللی نظیر تحریم‌ها و روابط آمریکا و ایران چگونه خواهد بود؟

روابط ایران و آمریکا که طبق برنامه‌ها و شعارهای تبلیغاتی او، قرار بود به سوی بهبودی حرکت کند، مانند بقیه شعارهای وی ناکام ماند و امروز در جامعه آمریکا، او، اما به ناتوانی در پیاده‌سازی برنامه‌هایش متهم است. مسایل بعد از انتخابات هم که با دخالت‌های دولت‌های غربی و ایالات متحد همراه بود، بهانه‌ای برای توجیه این ناتوانی‌ها و ادامه نابسامانی‌های سیاسی در این کشورها ایجاد کرد. ما با ایالات متحد مشکلات ساختاری داریم و اگر مباحث انتخابات هم نبود، باز شاهد بهانه‌های جدید از سوی دولتمردان این کشور بودیم؛ مضاف بر آن که او، اما از قدرت تصمیم‌گیری بالایی برخوردار نیست و تصمیمات عمده آمریکا را افراد دیگری به او دیکته می‌کنند. به علاوه در ۳۰ سال گذشته، تحریم موضوعی بوده که همواره کشور ما از جانب غرب و آمریکا با آن مواجه بوده است. تجربه نشان داده که این تحریم‌ها، حتی برای کشور ما در برخی موارد عامل تحرک و رشد بوده و ما را به تلاش بیشتر تشویق کرده است. مثلاً در تحریم بنزین، به فکر سهمیه‌بندی بنزین، کنترل مصرف و ساخت پالایشگاه‌های جدید و مسایلی از این قبیل افتادیم که همه این موارد به دلیل همین تحریم‌ها بود که انجام شد و یا در حال اقدام است. این اعتراف صاحب‌نظران غربی است که تحریم فایده‌ای ندارد و باید به فکر مذاکره با ایران بود. با توجه به این موارد باید گفت تهدید به تحریم حتی در صورتی که عملی شود، تأثیر چندانی بر وضعیت کشور نخواهد داشت.



را دچار نگرانی نکنند. از سوی دیگر، ما عادت نکرده‌ایم که در برابر نظرات مخالف خود تأمل کنیم و بر همین اساس انتقادات را بر نمی‌تابیم.

تقداریان: امنیت اقتصادی کشور همواره با مشکل مواجه بوده است. آیا مسایل اخیر بر این مقوله تأثیری داشته‌اند؟

علت اصلی عدم امنیت اقتصادی حاکم بر کشور را می‌توان به نوعی در آرمان‌خواهی مردم ایران جست‌وجو کرد. این موضوع همواره پس از انقلاب در کشور ما وجود داشته و از دغدغه‌های اصلی بوده است. وقوع انقلاب و مسایل مربوط به آن و به دنبال آن جنگ تحمیلی، شرایط اقتصادی خاص خود را داشت و به نظر من پایه بسیاری از مسایل امروز را باید در جنگ جست‌وجو کرد. به عنوان مثال، شروع جنگ شرایط را برای چند نرخی شدن کالاها فراهم کرد. در زمان جنگ، به دلیل آن که نرخ‌های متعددی برای کالاها وجود داشت، استفاده از برخی رانت‌ها عادت عده‌ای افراد سودجو شده بود. در این شرایط، تهیه اجناس با نرخ‌های پایین و فروش آنها در بازار آزاد با نرخ‌های بالاتر، باعث کسب سودهای بادآورده می‌شد. نتیجه این که اولاً بی‌نظمی در جامعه حاکم شد و ثانیاً افراد سودجویی که اتفاقاً گاهی اوقات در جایگاه تصمیم‌گیرندگان قرار داشتند، توانستند شرایط را به نفع خود رقم بزنند. این روش کسب سود و رانت، منجر به نوعی اختلاف طبقاتی جدید در کشور شد که با هر گونه انتقاد و سؤالی مخالفت می‌کرد و در برابر هر گونه اقدامی که قصد جلوگیری از رانت‌خواری‌های آنان را داشت، می‌ایستاد. به اعتقاد من اتفاقات اخیر بر همین موج سوار بود. به این ترتیب، مباحث اقتصادی اخیر که در جهت حذف شرایط رانت‌جویانه در پیش گرفته شد، به نوعی مقاومت و مخالفت تبدیل گشت و نتیجه همان شد که دیدیم. به هر حال با توجه به این مسایل، باید بحث ثبات اقتصادی در کشور برای حل بحران‌ها مورد تأکید بیشتری قرار گیرد. به همین منظور و برای ایجاد ثبات در اقتصاد کشور، نیازمند قوانین و نظارت‌های مشخص و حمایت‌های سرمایه‌ای هستیم. از طرف دیگر، در بحث سرمایه‌گذاری خارجی با مشکلات عدیده‌ای که غالب آنها از قوانین و روش‌های ما منتج شده‌اند مواجه هستیم. در این رابطه، لازم است با یک برنامه‌ریزی استراتژیک و شناخت فرصت‌ها و تهدیدها به بررسی راهکارهای لازم برای برون‌رفت از شرایط نامساعد